

وقتی هنوز تازه کاری



اوایل دوره جوانی حقیقتاً دوران پر دروسری است؛ بخصوص سال‌های ۱۵ تا ۲۰ و دو سه سالگی که آدم انواع و اقسام درگیری‌های ذهنی، کاری، مالی و شخصی را تجربه می‌کند. ناگهان زندگی آرام و کم‌دغدغه دوره نوجوانی تمام می‌شود و جوانی با هزار و یک مشغله جدید و بیم امیدهای متعدد آغوشش را به روی ما باز می‌کند.

موضوع پیدا کردن «شغل خوب» یکی از آن کارهایی است که به محض جوان شدن دست از سر ذهنمان بر نمی‌دارد و شب‌ها قبل از خواب و صبح‌ها بعد از بیدار شدن، آخرین و اولین فرمان است. اما «پیدا کردن شغل» تنها چالش ما نیست. بعد از شاغل شدن با چالش‌ها و دروسری‌هایی مواجه شویم که قبل از پیدا کردن کار لحظه‌ای هم به آن‌ها فکر نکرده‌ایم؛ یکی از آن چالش‌ها که گاهی اوقات شما را تا مرز دق دادن می‌برند و جزو قوانین نانوشته محیط کار محسوب می‌شوند «پپیجیگی روابط با آدم‌ها» است. اگر کارمان فنی باشد می‌توانیم آن را با کارآموزی در کارگاه‌ها یاد بگیریم؛ اگر کشاورز یا متخصص کارهای خدماتی باشیم با تجربه به اصول کارمان مسلط می‌شویم. اما بعضی از موضوعات مثل چگونگی رفتار در فضای کار به خصوص برای ما که تازه وارد هستیم و هنوز موقعیت شغلی‌مان تثبیت نشده است باید چطور باشد. اتفاقاً یکی از دلایلی که بسیاری از جوانان در چند سال اول شاغل شدنشان زیاد شغل عوض می‌کنند و از کارهایشان راضی نیستند، آشنانبودن با همین قوانین نانوشته شغلی است که اگر آن‌ها ندانیم به چالش بر می‌خوریم. چند مورد از این قوانین نانوشته را برایتان نوشتیم تا هر زمان وارد محل کار شدید از اتفاقاتی که احتمالاً برایتان خواهد افتاد تعجب نکنید.

همکاران بی‌اعتماد

روز اول کاری‌تان زمانی که از خواب بیدار می‌شوید ممکن است چند ابر نامرئی دور سرتان جمع شوند و تصویر همکارانتان که با لبخند و گل از شما استقبال می‌کنند در خیالتان نقش می‌بندد. اما خوب به محض اینکه به محل کارتان می‌رسید احتمالاً با واقعیتی روبه رو می‌شوید که خیلی هم شبیه تصوراتتان نیست. بهتر است از همین الان با این اتفاقات احتمالی در محل کار آشنایتان کنم. شما وقتی تازه وارد فضای کار می‌شوید برای همکارانتان غریبه محسوب می‌شوید. چه بخواهیم چه نخواهیم فضای شغلی به گونه‌ای است که آدم‌ها خیلی سریع و آسان بهم اعتماد نمی‌کنند؛ چه برسد به اینکه فردی تازه وارد، جوان و ناشناس وارد جمع آن‌ها شده باشد. ممکن است ماه اول که وارد محل کارتان می‌شوید دیگران نسبت به شما سخت‌گیر باشند؛ یعنی اگر شما و همکارتان که سابقه و تجربه بیشتری دارد اشتباهی یکسان مرتکب شوید، دیگر همکاران و رئیس نسبت به شما سخت‌گیرترند. می‌دانم این اتفاق کمی ناعادلانه بنظر می‌رسد و ممکن است شما را ناراحت کند، اما باید بدانید حس دوستی و اعتماد خیلی زود به وجود نمی‌آید و شما باید در فضای کار، مخصوصاً ماه‌های اول، مراقب باشید تا دیگران را نسبت به خودتان حساس نکنید و زیر ذره‌بین نروید.



شرکت با مسئولیت محدود:

شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده است. هر یک از شریکان، بدون اینکه سرمایه به سهام یا تقسیم شده باشد، فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت، مسئول قرض، بدهی و تعهدات شرکت است. به زبان ساده‌تر می‌توان گفت، در صورتی که شرکت ورشکسته شود و نتواند پاسخگوی طلبکاران باشد، تنها سرمایه سهامداران از بین می‌رود و طلبکاران نمی‌توانند باقی‌مانده مطالبات خود را از اموال شریکان شرکت مطالبه کنند.

کنجکاو بودن

شما نیروی تازه‌واردی هستید. موقعیت شغلی متزلزلی دارید و ممکن است با چند خطا شغلتان را از دست بدهید؛ این‌ها واقعیت‌های تلخی هستند که باید در درجه اول آن‌ها را بپذیرید؛ سپس برای تثبیت جایگاه شغلی‌تان تلاش کنید. تلاش کردن هم راه‌های گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها آگاه‌شدن به فضای شغلی، بست‌های همکاری‌ها و شناختن خلیات و روحیات آن‌هاست؛ این مورد آخر جزو همان قوانین نانوشته‌ای است که در هیچ آیین‌نامه و راهنمایی نوشته نشده است اما لازم است خودتان آن‌قدر کنجکاو باشید تا بدانید هرکسی يك اخلاقی دارد؛ مثلاً ممکن است یکی از همکاری‌تان برون‌گرا باشد و دوست داشته باشد با او کمی صمیمی باشید. صمیمی شدن با همکاری که دوست دارد با او صمیمی شوید به روابط کاری‌تان کمک می‌کند و این همکاری هر جا که کاری را بلد نبودید به شما کمک خواهد کرد. اما برعکس هم ممکن است؛ مثلاً من همکاری دارم که اول صبح فقط می‌گوید «سلام» و می‌رود سر جایش می‌نشیند و تا خود ساعت چهار عصر با هیچکس حرف نمی‌زند. اگر با او صحبت هم بکنیم یا جواب نمی‌دهد یا یک کلمه می‌گوید و دوباره ساکت می‌شود. اگر زیاد سعی کنیم سر صحبت را باز کنیم ناراحت می‌شود و کلاً از اتاق کار بیرون می‌رود. شناختن تفاوت روحیات آدم‌ها از هیچ قانون و قاننده خاصی پیروی نمی‌کند به جز کمی کنجکاو کردن و دقت در رفتار دیگران؛ این کار نه چندان آسان به شما که در آغاز راه شاغل شدن کمک زیادی نیاز دارید خیلی زیاد کمک می‌کند.

بین خودمان بماند

در محل کار گاهی وقت‌ها اتفاقاتی کاری و غیرکاری پیش می‌آیند که شما خواسته یا ناخواسته از آن‌ها باخبر می‌شوید. بعضی از این اتفاقات ممکن است باعث آسیب‌رساندن به زندگی همکاری‌تان شود؛ مثلاً ممکن است کسی بخواهند در لیست‌های مالی دست ببرد و حق دیگران را بخورد؛ در این وضعیت حتماً به ریاست مالی یا مقام‌های بالاتر جایی که در آن جا کار می‌کنید خبر دهید. اما بعضی از اتفاقات هم هستند که به دیگر همکاری‌تان ربطی ندارند؛ مثلاً وقتی در حال رد شدن از جلوی دفتر یکی از همکاری‌تان هستید می‌شنوید که دارد پشت سر یکی از همکاری‌ان صحبت می‌کند یا اینکه مطلع می‌شوید دونه‌تر از همکاری‌ان باهم ریفقند و ارتباط خانوادگی دارند. این اطلاعات نه برای کسی مهم است نه تأثیری در کارکردن شما و دیگران دارد؛ فقط ممکن است چند روز بعد از همین اطلاعات ساده‌ای که شما از آن باخبر شده‌اید و به دیگران گفته‌اید دعوا و درگیری درست شود و مقصر آن شما نیروی تازه‌وارد باشید و بین دیگران به عنوان عضو دردسرساز شناخته شوید.

اطلاعاتی مثل مقدار حقوق هر یک از کارکنان، اگر به هر شکلی به گوش‌تان خورد یا داتان باشد که جزو موضوعات محرمانه محل کار محسوب می‌شود. سیاست شغلی این است که اگر از دست‌مزدها باخبر شدید به دیگر همکاری‌ان نگویند و اگر نسبت به حقوقی کم یا زیاد اعتراض دارید یا اینکه بنظرتان مشکوک می‌آید، مستقیماً به رئیس‌تان اطلاع دهید؛ این موضوع را همه نیروها باید رعایت کنند اما شما که تازه‌کار و تحت توجه همه هستید باید در بهانه‌ندادن به دست دیگران تلاش بیشتری بکنید و اشتباه‌ها‌تان به حد‌اقل برسانید.

